

# صدور حکم موت فرضی

یک رأی. یک تجربه

ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی ایران غیرقابل استماع تشخیص داده شده وارد نیست و چون دادنامه معترض عنه وفق مقررات قانونی صادر شده است با رد تجدیدنظر خواهی تجدیدنظر خواه به استناد ماده ۳۵۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ دادنامه تجدیدنظر خواسته عیناً تأیید و استوار می گردد. رأی صادره با استناد ماده ۳۶۵ قانون فوق الاشعار قطعی است.

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران...  
مستشار دادگاه...

«رأی شماره ۱۷۷۶-۱۷۷۶/۹/۲۴-۸۰ شعبه ۱۱۰۱ دادگاه عمومی تهران  
خواسته موت فرضی:

در خصوص دعوی خانم (ز. ص) بطرفیت آقای (ح. ک) به خواسته صدور حکم موت فرضی با توجه به مفاد دادخواست و ضامناً آن و نظر به اینکه خواننده متولد ۱۳۲۱ بوده و سن وی تا حال حاضر کمتر از ۷۵ سال مورد نظر و بند یک ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی می باشد، لذا دعوی خواهان به کیفیت حاضر قابلیت استماع نداشته، مستنداً به ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد آن را صادر و اعلام می نماید. این قرار ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

رئیس شعبه ۱۱۰۱ دادگاه عمومی تهران...

رأی شماره ۸۰۵۸۰/۷/۲۴-۷ شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر در مقام تجدیدنظر خواهی شعبه ۱۱۰۱ دادگاه عمومی تهران...

بند یک ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی و سایر بندهای ماده مرقوم جهت صدور حکم موت فرضی تمثیلی می باشد و با توجه به ماده ۱۰۱۹ قانون مدنی حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادات چنین شخصی زنده نمی ماند. بنابراین ملاک صدور حکم موت فرضی عرف و

آیا دو رأی موضوع مکاتبات ذیل متهافت هستند؟ استدلال شما چیست؟

رأی شماره ۱۵۲۳/۷۹ مورخه ۷۹/۸/۱ شعبه ۱۱۱۰ دادگاه عمومی تهران

خواسته: تقاضای حکم موت فرضی

در خصوص دعوی آقای (ف. ع) بطرفیت سرپرست محترم مجتمع قضائی هاشمی، بخواسته صدور حکم موت فرضی آقای (م. ع) بدین شرح که خواهان در دادخواست تقدیمی اعلام داشته آقای (م. ع- پدرش) فرزند علی حسن متولد ۱۳۰۴/۱۱/۲۲ به شماره شناسنامه ۱۷۳۲۲ صادره از اراک در اوایل سال ۱۳۶۶ از منزل خارج گردیده و تاکنون مراجعت ننموده و هیچگونه اطلاع و یا اثری از وی حاصل نگردیده است و بر همین اساس تقاضای صدور حکم موت فرضی مشارالیه را نموده است. دادگاه با توجه به مفاد دادخواست و ملاحظه تصویر شناسنامه آقای (م. ع) و صرفنظر از اینکه از زمان آخرین خبر حیات نامبرده ده سال گذشته است، لیکن بلحاظ اینکه در زمان تقدیم دادخواست از سوی خواهان و حتی تاکنون سن مشارالیه به هفتاد و پنج سال نرسیده لذا بر اساس ماده ۱۰۱۹ و بند ۱ ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی دعوی خواهان به کیفیت حاضر قابلیت استماع نداشته. بنا علیهذا قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام می گردد. این قرار ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

رئیس شعبه ۱۱۱۰ دادگاه عمومی تهران...

«رأی شماره ۱۲۱-۱۲۱/۷۹-۷۹/۱۲/۱۵ شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر در مقام تجدیدنظر خواهی نسبت به دادنامه فوق الذکر

تجدیدنظر خواهی آقای (ف. ع) نسبت به دادنامه شماره ۱۵۲۳-۷۹/۸/۱-۱۱۱۰ شعبه دادگاه عمومی تهران که بشرح آن تقاضای وی مبنی بر صدور حکم موت فرضی آقای (م. ع) بلحاظ عدم تطابق با بند ۱

سال مورد نظر بند ۱ ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی می باشد دعوی را قابل استماع ندانسته و قرار رد آن را صادر کرده . شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در مقام رسیدگی تجدیدنظر برابر دادنامه شماره ۸۰۵-۸۰/۱۱/۲۴ بند ۱ ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی و سایر بندهای ماده مرقوم را جهت صدور حکم موت فرض تمثیلی دانسته و با توجه به ماده ۱۰۱۹ قانون مدنی ملاک صدور حکم موت فرضی را عرف و عادت

اعلام کرده و شرط انقضای ۷۵ سال برای سن غایب پس از ده سال از آخرین خبری که از وی رسیده را از باب تمثیل تشخیص و رأی دادگاه بدوی را مغایر با این معنا اعلام و با نقض آن پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به دادگاه اولیه ارسال داشته . در پرونده دیگر

حسب دادنامه شماره ۱۵۲۳-۷۹/۸/۱ شعبه ۱۱۱۰ دادگاه عمومی تهران در خصوص دعوی آقای (ف.ع) به این توضیح که پدرش بنام (م.ع) متولد ۱۳۰۴/۱۱/۲۲ در اوایل سال ۱۳۶۶ از منزل خارج و تاکنون مراجعت نکرده و هیچگونه اثری و اطلاعاتی از وی حاصل نگردیده، دادگاه به این استدلال که صرفنظر از اینکه از زمان آخرین خبر

حیات نامبرده ده سال گذشته لیکن بلحاظ آنکه در زمان دادخواست و حتی تاکنون سن مشارالیه (م.ع) به هفتاد و پنج سال نرسیده بر اساس ماده ۱۰۱۹ و بند یک ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی موجبات صدور حکم موت فرضی آقای (م.ع) را فراهم ندانسته و قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر کرده است .

شعبه ۳۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران در مقام رسیدگی تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۷۹/۱۲/۱۵-۱۲۱-۱۲۱ آقای (ف.ع) به تأیید دادنامه اولیه اظهار نظر کرده است .

اینک با توجه به مطالب فوق به شرح آتی اظهار نظر می گردد:

نظریه دادنامه شماره ۸۰/۱۱/۲۴-۸۰۵ دهم دادگاه تجدیدنظر استان، تهران مستنداً به ماده ۱۰۱۹ قانون مدنی در بیان تعریف حکم موت فرضی بوده و بندهای مندرج در ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی مصادیق حکم موت فرضی را بیان نموده و نمی توان بندهای مذکور در ماده ۱۰۲۰ را از موارد تمثیلی اعلام کرد . بنا بر مراتب دادنامه فوق الاشعار مبنی بر اشتباه بوده و با دادنامه شماره ۱۲۱/۷۹-۱۲۱/۱۵ شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تاب معارضه نداشته و مورد از مصادیق ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری تشخیص نگردیده و موضوع قابل طرح در هیئت عمومی دیوانعالی کشور نبوده به رد درخواست اظهار نظر می گردد

غایب دانسته و در یک رأی مذکور در ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی که مطلب فوق الاشعار یکی از آنها می باشد از موارد تمثیلی قلمداد نموده ارسال می گردد توجهاً به ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری طرح موضوع در دیوانعالی کشور بمنظور ایجاد وحدت رویه مورد استدعاست .

نامه شماره ۸۱/۶۷۴۶۸/۲۴/۱۴۰ مورخ ۸۱/۸/۱۸ عضو معاون دیوانعالی و رئیس دفتر محترم دادستان کل کشور به معاونت محترم قضائی آموزش تحقیقات دادگستری استان تهران :

سلام علیکم ؛ عطف به شماره ۵۰/۱۰۵-۸۱/۲/۱۱ بدینوسیله تصویر نظریه دایاران محترم این دادسرا منضم به دستور دادستان محترم کل کشور مبنی بر اینکه تقاضای آن مرجع قابل طرح در هیئت عمومی دیوانعالی کشور تشخیص داده نشده است به پیوست ارسال می گردد . نظریه مورخه ۸۱/۷/۲۵ و ۸۱/۷/۲۲ دایاران محترم دادسرای دیوانعالی کشور :

بسمه تعالی ریاست محترم دادسرای دیوانعالی کشور احتراماً در پرونده پیوست معاونت آموزش تحقیقات دادگستری استان تهران با ضمیمه نمودن دادنامه شماره ۸۰۵-۸۰/۱۱/۲۴ شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران و دادنامه شماره ۷۹/۱۲/۱۵-۱۲۱/۷۹ شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به نامه ارسالی،

اعلام نموده در یک حکم مضمی مدت ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده و در انقضای مدت مزبور گذشت ۷۵ سال از سن غایب ملاک و مناط زنده نبودن شخص غایب دانسته شده و در رأی دیگر موارد مذکور در ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی که مطلب فوق الاشعار یکی از آنها می باشد، از موارد تمثیلی قلمداد گردیده . توجهاً به ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری طرح موضوع در دیوانعالی کشور را به منظور وحدت رویه خواستار شده . پرونده های متشکله در دادگاههای مرقوم مطالبه ملاحظه می شود به موجب دادنامه شماره ۱۷۷۶-۸۰/۹/۲۴ شعبه ۱۱۰۱ دادگاه عمومی تهران در خصوص دعوی خانم (ز.ص) بطرفیت آقای (ح.ک) به خواسته صدور حکم موت فرضی به این استدلال که خواننده متولد ۱۳۲۱ بوده و سن وی تا حال حاضر کمتر از ۷۵

عادت است و شرط انقضای ۷۵ سال برای سن غایب پس از ده سال از آخرین خبری که از وی رسیده است از باب تمثیل و بعنوان یکی از مصادیق ماده ۱۰۱۹ قانون مدنی محسوب می شود و هیچ مغایرتی ندارد که شخصی که حدود ۶۰ سال از سن او گذشته است و حدود ۲۰ سال است هیچ خبری از وی بدست نیامده است، مضمول صدور حکم موت فرضی شود . بنا علیهذا و مشروط به احراز صحت ادعای خواهان رأی دادگاه محترم بدوی به شماره ۱۷۷۶-۸۰/۹/۲۴ شعبه ۱۱۰۱ دادگاه عمومی تهران که مغایر با این مبنا است، در خور تأیید نمی باشد . در نتیجه باستناد ماده ۳۵۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته نقض و پرونده جهت رسیدگی ماهوی به دادگاه بدوی ارسال شود . این رأی قطعی است .

رئیس شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران . . . مستشار دادگاه . . .

مکاتبات انجام شده در خصوص اینکه آراء صادره از شعب ۱۰ و ۳۵ تجدیدنظر استان متفاوت هستند : و رد این نظر از سوی دایاران محترم دادسرای دیوانعالی کشور .

نامه شماره ۴۴۵-۲۱/۱۲/۸۰ رئیس محترم شعبه ۱۱۰۱ دادگاه عمومی تهران به ریاست محترم کل دادگستری استان تهران حضرت حجت الاسلام والمسلمین علیرزاده سلام علیکم :

احتراماً به استحضار می رساند بشرح پیوست در ارتباط با استنباط از ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی نسبت به دو رأی مشابه به شماره های ۱۵۲۳-۷۹/۸/۱ و ۱۷۷۶-۸۰/۹/۲۴ که به ترتیب از سوی شعبه ۱۱۱۰ و ۱۱۰۱ دادگاه عمومی تهران صادر گردیده است، در رأی متفاوت به شماره های ۱۲۱-۷۹/۱۲/۱۵ و ۸۰۵-۸۰/۷/۲۴ که به ترتیب از سوی شعب محترم ۱۰ و ۳۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران صادر گردیده است . جهت ملاحظه ارسال دستورات مقتضی به منظور طرح موضوع در هیئت محترم عمومی دیوانعالی کشور جهت ایجاد وحدت رویه مورد استدعا می باشد . قبلاً از هر گونه تسریع در اقدامات که مبدول خواهید فرمود سپاسگزارم .

نامه شماره ۵۰/۱۰۵-۸۱/۲/۱۱ معاونت قضائی آموزش و تحقیقات دادگستری استان تهران به دادستان محترم کل کشور :

با سلام ؛ احتراماً به پیوست ۲ رأی متفاوت در خصوص موضوع موت فرضی صادره از شعب بدوی و تجدیدنظر استان تهران که در یک حکم مضمی مدت ۱۰ سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیات غایب رسیده و در انقضای مدت مزبور گذشت ۷۵ سال از سن غایب را ملاک و مناط زنده نبودن شخص

شخصی که حدود ۶۰ سال از سن او گذشته و حدود ۲۰ سال هیچ خبری از وی بدست نیامده است هیچ مغایرتی با ماده ۱۰۱۹ ندارد که مضمول صدور حکم موت فرضی شود